

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۴ جون ۲۰۲۳

عنایت ناصری

«امین» احمد ظاهر کدام «امین» است؟



در باره نگاه درونی احمد ظاهر نسبت به خواندن این ترانه، دیدگاه های افراد متفاوت است. پاره ای از مردم بر این باور اند که این ترانه برای حفیظ الله امین خوانده شده است که انگیزه کشته شدن احمد ظاهر را نشر این آهنگش می دانند. اما باور غالب این است که چنین نبوده و انگیزه این آهنگ «الماس شرق» پدیدارانه در وصف پیامبر است. از این رو سرآغاز این ترانه توسن است؛ اسب یاغی و نافرمانی که در دست یک شخص امین، فرمان بردار و مطیع می شود. به نظر من اصل داستان صداقت و بزرگی فردی را به نمایش می گذارد.

گاهی در یوتیوب به سراغ آهنگ های احمد ظاهر می روم، تا آن که احمد ظاهر می نویسم این آهنگش پیش رویم می آید:

«این توسن ایام چه خوش رام امین است»، «خورشید جهان سرزده از بام امین است».

بسیاری ها بر این باور اند که ترانه ای این آهنگ جاویدان از «عبدالاحمد ادا» شاعر افغان است و احتمالاً شعر در وصف پیامبر سروده شده است.

به نظر من اصل داستان صداقت و بزرگی فردی را به نمایش می گذارد.

به هر حال، امکان دارد به محض شنیدن این آهنگ، برای هر شنونده احساس جالبی پیش بیاید. احساس هم زاد با رنج و شادی. از این رو، وقتی ترانه را با تأمل خردمندانه ای زنده یاد احمد ظاهر گوش می دهید، شما را وا می دارد تا به اسب سرکش و فرمان ناپذیر و به رام شدنش دست یک «امین» فکر کنید و به درخشانی خورشید تابنده در بام امین.

این خواننده دل ها در پایان مصراع بالایی می خواند:

«از پُختگی و خامی عالم نزنم دم»، «هر پُخته که بینی به جهان خام امین است».

وقتی به این مصراع دقت می کنید، ستایشگری و مدح خیال بافانه ای افراد قداستش را از دست می دهد و هر پُخته ساختگی در جهان، خام درست کاران است. به نظر من، اینجا اگر شرح- شرح عاشقانه و عاطفی باشد، معشوق خام هر آدم، پُخته تر از پُخته دیگری است. اما اگر تفسیرش پیامبرانه باشد، هر انسان به کمال رسیده را خام تر از پیامبر می داند. عین پاسخ مولانا به شمس در مورد جام سیراب شده ای بسطامی و بحر بیکران پیامبر.

بعدتر از پُختگی و خامی، اگر تأمل داشته باشید، اسطوره احمد ظاهر می خواند:

«در گوشه و در بیشه و در جنگل و صحرا

هرجا گُذری نام امین، نام امین است»

شاید در این وهله، بازی احمد ظاهر با اصطلاحات باشد با اصطلاحات دل نواز و دلارام. در اینجا از دشت و بیابان می خواند، از کویر و صحرا، از خار و خرابات، و از عظمت «امین». اگر دوباره اگر تفسیر- تفسیر عاطفی و عاشقانه باشد، یگانگی و دردانگی معشوقان را نشان می دهد که نظیرش در جمع، همچنان نایاب و کم پیداست.

در پایان غم انگیز این آهنگ، احمد ظاهر با درد و فراق می خواند:

«گفتند ملائک ز پس پرده انوار

رُخشنده تر از صبح عدو شام امین است»

و در آخر تکرارکنان می خواند «این توسن ایام، این توسن ایام...». در واقع این دو بیت، شام امین را روش تر از صبح سپید نامیده و یک امین راستکار را به مثابه جهانی از زیبایی معرفی کرده است تا پیوند دهنده شادمانی و شوکت، حسرت و دریغ های آدمها تلقی گردد.